

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Letters	نامه ها
---------	---------

مطلبی به تاریخ 20 جنوری 2009 از طرف سایت "افغان جرمن آنلاین" به آدرس پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" ایمیل گردیده، که گویا جوابی باشد به مقاله جناب دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی زیر عنوان «**بی مضمونی سایت "جرمن جرمن" و رقص "تحفه محبت" ...**».

اینک اولاً مطلب رسیده سایت "افغان جرمن آنلاین" را از نظر خوانندگان گرانقدر پورتال میگذرانیم و متعاقبش همان مقاله آقای معروفی را. جواب ایمیل ایشان به زودی ارائه خواهد گردید.

اداره پورتال AA-AA

یادداشت:

جناب معروفی گفتاری دارد در یک مضمون بی سروپا که به تاریخ 11 جنوری 2009 در سایت "موسوی" تحت عنوان «**بی مضمونی سایت "جرمن، جرمن" و رقص "تحفه محبت"**». درین نوشته که بیان حسادت و دست پاچگی شان ظاهر می گردد، یک سلسله بیانات دور از حقیقت را بر پورتال افغان جرمن آنلاین متوجه ساخته اند. ما آرزو نداریم سوبه نشراتی خود را به معیار روش ایشان تنزیل داده و سایت را میدان بزکشی بسازیم. اما در مورد مضمون متذکره نمونه وار چند موضوع را که از نظر شاغلی معروفی نادرست ارزیابی گردیده، در یک حلقه محدودی از دوستان به قضاوت می گذاریم. مضمون آقای معروفی در ضمیمه تقدیم است.

## آیا آگ او در میدان مانده ، مضمون ندارد؟

اینک به گفته های شاغلی معروفی که ذیلاً از نظر میگذرد ، درنگ می نمایم

- 1- سایت ایشان از آنجائیکه خود چنان به قلت مضمون دچار هستند که حتی از محترم قاضی موسی عثمان هستی (که با نوشته هایش شما آشنا هستید) به عنوان یک نویسنده همدوش شان طلب استعانت می نمایند.
- 2- راپور مورد نظر را "دوستاناران وطن" عنوانی [info@afghan-german.de](mailto:info@afghan-german.de) مستقیماً برای نشر ارسال داشته اند. سایت "دوستاناران وطن" خود می توانند در زمینه اقدام نمایند. ربط آنرا به جناب آقای معروفی فهمیده نتوانستیم؟
- 3- شما که در عوض "افغان جرمن" ، "جرمن جرمن" می نویسید افتخار این نوشته شما از جناب قاضی موسی عثمان هستی همدوش و همکار شما می باشد.

- 4- مضمون محترم وحید مزده در سه قسمت به نشر نرسیده بلکه صرف به صورت مکمل نشر شده است. در صورتیکه قسمت سوم آن نزد شاغلی معروفی باشد یا در کدام سایت نشر شده باشد، خوش می شویم مارا راهنمایی کنید.

5- پارچه شعر میرمن آصفه خلیل مسعودی را جناب مختار زاده برای نشر به ما ارسال داشته اند.

دعوت شما از نویسندگان به این معنی که برای افغان جرمن آنلین از ارسال مضامین خود داری کنند، تلاش بیهوده است زیرا نویسندگان و صاحب قلمان آگاه به گمان ما خود بهتر میدانند که نوشته های خویش را به کی و به کجا ارسال دارند. این زاید خواهد بود که ما به آنها توصیه نمائیم به کی ارسال دارند یا ندارند.

ما به خود حق نمی دهیم تا به نویسندگان توصیه کنیم که نوشته های خود را به سایت های دیگر ارسال بدارند یا ندارند. از آنجائیکه آقای معروفی برای تحقیر شخصیت ها از آقای قاضی موسی عثمان هستی طلب استعانت کرده اند و زیر نام های مستعار مانند "متین کوهدامنی" و "بیطرف" عرض اندام نموده اند به نوشته های در برابر افغان جرمن آنلین مبادرت ورزیده اند که جز ضیاع وقت حاصل دیگری از آن متصور نیست.

6- محترم حمید عطا یک تن از نویسندگان سابقه دار افغان جرمن آنلین می باشند. مضمون شان حتی یک روز پیشتر نسبت به AA و صدای افغان در آگ او به نشر رسید.

7- در مورد شمار مضامین : احصائیه ثبت شده با گرافیک مربوط با سافت ویر عالی و انکشاف یافته که اعتبار بین المللی بانک گونه دارد و درج راپور می باشد امیدواریم که عطش جناب معروفی را به رویت این سند معتبر رفع کرده باشد. در غیر آن عدم اعتماد، مشکل خود شان خواهد بود.

همچنان مضامین نشر شده را آقای معروفی به "سگ ماهی" تشبیه کرده اند که دور از انصاف بوده توهین به نوشته ها و نویسندگان تلقی می شود.

8- در باره داستان تحفه محبت می توانند خود شان با جناب نسیم اسپر تماس حاصل کرده و جویای معلومات گردند.

9- در مورد طنزهای جناب معروفی جز خاموشی و قضاوت خوانندگان راه دیگری سراغ نداریم .

10- دلیل اینکه جناب معروفی معتقدند کمتر نظریه دهنده گان در نظرخواهی در مورد مضمون محترم حکیم نعیم اشتراک داشتند، بسیار ساده است.

مدت کوتاهی قبل براین، مضمونی تحت عین موضوع از طرف جناب حمید انوری به نظر خواهی گذاشته شده بود که شمار زیادی از افغان ها در آن ابراز نظر کرده اند. حتماً دلیل کم بودن نظرات در عین موضوع همین بوده است.

11- در باره مضمون آقای ودان باید تذکر داد که جناب معروفی سال بست نوشته های شان را به سایت انترنتی آقای ودان "پیام وطن" به نشر رسانیده اند. هم چنان امروز مضامین شان درجن بست زیب صفحه دکتور نجیب الله(پیام وطن) میگردد.

خواننده گرانقدر ! اینکه ایشان خود را در نقش فرشته بیگناه قرار داده اند ، لطفاً به لینک های آتی مراجعه فرمائید :

<http://www.payamewatan.com/Archieve/25-08-07.htm>

<http://www.payamewatan.com/Archieve/0=.htm>

درپایان قابل سؤال است:

که از جناب آقای معروفی پرسیده شود، چگونه شب و روز خود را وقف "افغان جرمن آنلین" نموده به گمان خود شان دقیق احصائیه گیری می نمایند؟ این نا آرامی ایشان امید واریم ناشی از بیماری نباشد و از بارگاه خداوند برای شان صحت و سلامتی کامل آرزو داریم.

20.01.2009

Afghan German Online

و اینک مقاله جناب انجنیر معروفی :

## بی مضمونی سایت "جرمن جرمن" و رقص "تحفة محبت"

### طنز اول سال 2009

در مقالات چندی پیش نوشتم که: «کم است که از بی مضمونی در دهان سایت "جرمن جرمن" مگس خانه کند.» این طنز نیشدار و نیز آوردن لست همکاران سابق که دیگر به سایت "جرمن جرمن" مقاله نمی فرستند، متصدیان سایت را واداشت که آن قسمت "غیر متحرک" بدن خود را جُم داده، به تکاپو آمده و از هر طرف به جلب همکار پرداخته و از ایشان مقاله گدائی نمایند. درین راه به وسایل مختلف دست یازیدند:

1- تلفنهای بر در بر به نویسندگان و شعراء و گرفتن ریش ایشان و الحاح و زاری بدین مضمون که: «به لحاظ خدا و به لحاظ آفتاب روز قیامت و به سر اولادایتان؛ هر طور میشه بر ما چیزی بفرستین، اگرنی بی آب میشیم و پیش حریف، کم می آئیم!!!!!!»

2- اخذ کردن مقالات از سایتهای دیگر، بدون ذکر مأخذ و بدون این که در سر یا پای مقالات بنویسند که مثلاً: "اقتباس از فلان و بهمان سایت" و یا "مأخذ: فلان و بهمان سایت" و غیره.

در این ارتباط باید از یک ترفند دیگر سایت "جرمن جرمن" پرده بردارم، و آن اینکه: سایت "جرمن جرمن" مطلبی را از کدام سایت اخذ کرده و مرجع اخذ مطلب را افشاء هم میکند، ولی با یک "ترفندک" نرم و نازک و آن اینکه بر فرق مطلب مینویسد: "ارسالی فلان و بهمان سایت". مثلاً سایت "جرمن جرمن" مطلب مصوری را زیر عنوان "گزارش تصویری از عاشوراء در کابل" از سایت "دوستاناران وطن" اخذ کرده و بر فرق مطلب نوشته: "ارسالی صفحه دوستاناران وطن"

همینکه این مطلب را بروز 8 جنوری 2009 در سایت "جرمن جرمن" دیدم، رفتم سایت "دوستاناران وطن" را گشودم. بلی؛ رفتم به آن سایت و کشفی کردم عجیب و غریب. کشف اینست، که سایت "دوستاناران وطن" این مطلب را به سایت "جرمن جرمن" نفرستاده است. و اگر میفرستاد، باید عین مطلب به عین شکل هم در سایت "دوستاناران وطن" درج میبود و هم در سایت "جرمن جرمن". چون سایت "جرمن جرمن" به حیث "سایت اخذ" یا "سایت گیرنده" به هیچ صورت حق نداشت که "مطلب اخذ شده" را دگرگون بسازد و عکسهایش را کم و زیاد و یا پیش و پس نماید!!!! یعنی در اساس باید اینطور میبود که:

عین مطلب در سایت به اصطلاح "مُرسل" - یعنی "دوستاناران وطن" - و در سایت "مُرسل الیه" یعنی سایت "جرمن جرمن" - باید کاملاً با عین محتوا و به عین شکل نشر میگردد. چون عین مطلب را در این دو سایت، به عین شکل نمی یابیم، بدین نتیجه میرسیم، که:

- یا سایت "جرمن جرمن" مطلب اخذ کرده از سایت "دوستاناران وطن" را دستکاری کرده، که این به ذات خود کاریست بس نامشروع!!!!

- و یا اینکه این مطلب را از آن سایت گرفته و برای نجات از بینی بریدگی "سرقت"، خود بر فرقی نوشته:

«ارسالی صفحه دوستاناران وطن»

من ورشن دومی را قرین به حقیقت میدانم، چون اگر قرار میشد که صفحه "دوستاناران وطن" این مطلب را به جایی بفرستد، باید از همه اولتر آنرا به سایت "آزمون ملی" میفرستاد، که باهم از نگاه فکری و دید سیاسی بسیار نزدیک میباشند. و چون این مطلب در سایت "آزمون ملی" سراغ نمیگردد، پس معلوم است که سایت "دوستاناران وطن" آنرا به "جرمن جرمن" نفرستاده است.

3 - نشر مقالات سابق با تغییر تاریخ نشر و یا با حذف تاریخ نشر، از آرشیفهای "وُرد" خود سایت "جرمن جرمن".

داستان این کارنامه را ضمن مقاله « متصدیان "جرمن آنلاین" تقرر فکری ندارند!!!! » مؤرخ 29 دسمبر 2008 خود شگافتم و خواننده ارجمند و کنجکاو میتواند بر آن نظری افکند.

راه اول را باید مشروع دانست، ولو که "عذر و زاری کردن" کار "افغانان اصیل" نیست، و از همین سبب است که کلمه باعظمت و پرغرور "افغان" را از سر نام این سایت "جیوجیوگر" و "مُنقاد" حذف کرده و آنرا سایت "جرمن جرمن" می نویسیم.

اما راه دوم "غیر مشروع" و خلاف تعاملات مطبوعاتی شمرده شده و در زمره "سرقت ادبی" بشمار می آید. من نام یک تعداد مطالب را درینجا بشکل نمونه ذکر میکنم، که بدین ترتیب از سایتهای دیگر دزدی شده اند :

– مقاله آقای "وحید مزده" زیر عنوان "افغانستان و عربهای افغان" :

از سایت "آزمون ملی" – با حذف پیشانی مقاله که چند سطر از متن "بخش دوم" مقاله را به حیث "سرخط" در بر میگیرد، و عکس "عبدالله عزام" را با جنگسالار تبهکار "کابل ویران" ، احمد شاه مسعود، نشان میدهد. قابل یادآوریست که سایت "آزمون ملی" این مقاله را خود از سایت "خبرگزاری صدای افغان" اقتباس کرده و این امانتداری را در پای مقاله چنین مسجل ساخته است :

### خبرگزاری صدای افغان

اگر خود جناب "مزده" این مقاله را که متضمن دو بخش اول مقاله است، به سایت "جرمن جرمن" میفرستاد، چرا بخش سوم آنرا به "جرمن جرمن" نفرستاده است؟؟؟ اگر خواننده ارجمند به سایت "آزمون ملی" مراجعه نماید، هر سه بخش این مقاله را در آن خواهد یافت!!!!

– شعر "مرد افغان" از طبع شاعره زیبایان افغان، میرمن آصفه خلیل مسعودی، که حدوداً چار هفته پیش – دقیقاً به تاریخ 16 دسمبر 2008 – زینت بخش پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" گردیده بود. نمیدانم، سایت "جرمن جرمن" وُرد همین شعر جذاب را از کدام سایت، "کوری و کیوتی" کرده و بر فرقی تاریخ 6 جنوری 2009 را زده است. من با خانم آصفه جان مسعودی تماس تلفونی گرفته و از ایشان در زمینه جویای معلومات گردیدم و ایشان قاطعانه گفتند :

### « این شعر را شخص خودم به سایت "افغان جرمن" نفرستاده ام.»

ایشان این نکته را نیز گفتند که : « این شعر را به دوستان خود هم از طریق ایمیل فرستاده ام، که شاید یکی از ایشان آنرا به سایت "افغان جرمن" فرستاده باشد.» پس نتیجه میگیریم، که آصفه جان مسعودی خود حاضر به همکاری با سایت "جرمن جرمن" نشده است.

درینجا باید بصراحت تام بگویم، که هر نویسنده و شاعر حق دارد با هر سایتی که دلش بخواهد همکاری نماید، ولی وقتی همکاری خود را عرضه میکند، باید این نکات را جداً مد نظر داشته باشد :

– سایتی که لائۀ خلقتان و پرچمیان دو آتسه گردیده و کیف و کان اداره اش بدست ایشان درآمده است، شایسته همکاری نیست!!!!

– سایتی که به طرفداری از جنایتکاران نامدار "خلقی – پرچمی" برخاسته و وطنپرستان و مبارزان صدیق افغان را تخطئه مینماید، شایسته همکاری نیست!!!!

– سایتی که "دشنامنامۀ" آن عضو مشهور و بدنام "شورای انقلابی" رژیم سفاک "خلق – پرچم" را – بعد از آنکه سجل و سوانح منحوسش بر همه آشکار گردید – به نظرخواهی گذاشته و خود زیر نامهای مستعار به نفعش نظر میدهد، هرگز شایسته همکاری نیست!!!!

باز بصراحت تمام میگویم که :

من خاصیت زشت آن اشخاص خاص سایت "جرمن جرمن" را ندارم، که به احمد و محمود و کلبی و مقصود تلفون زده و از ایشان تقاضاء نمودند، که به پاس "دوستی و سابقۀ آشنائی" و به پاس "هم صنفی بودن" و "همکار بودن در افغانستان"، ارتباط خود را با پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" قطع کنند!!!! نه خیر!!!! نه من و نه کدام عضو دیگر پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" این کار قبیح را نمی کنیم و بلکه چنین کاری را توهین و تحقیر به نویسنده و شاعری میبنداریم، که ازش چنین تقاضای سوئی صورت میگیرد!!!! توهین و تحقیر به دو دلیل ذیل :

– چنین کار خلاف آداب انسانی و خلاف تعاملات مشروع مطبوعاتی بوده و تحمیل عقیده خود بر نویسنده و شاعر نیست، که از ایشان چنین تقاضائی صورت میگیرد!!!! بلی؛ این کار تصرف در حریم "آزادی فکر و اندیشه" نویسنده و شاعر است، و بزرگترین موهبت و عطیه ای که از طرف خداوند بزرگ به نویسنده و شاعر ارزانی گردیده اینست، که "آزادی فکر و عقیده" و "آزادی در تصمیم گیری" را نگه دارد!!!!

– ایشان فکر کرده اند، که نویسنده و شاعر "متقاضا عنه"، آنقدر "سُست عنصر" است، که زیر تأثیر سخنان چرب و نرم و اغواء کننده اغواء گران "جرمن جرمن" میروند!!!!

– مقاله جناب "حمید عطا ادم" زیر عنوان "از دید عساکر امریکایی یا افزون شدن مصیبت در افغانستان":  
حدس میزنم که این مقاله از آرشیف سایت "صدای افغان"، اخذ گردیده (مقاله دهم)، البته بدون ذکر مأخذ و منبع اقتباس. این مقاله در سایت "صدای افغان" مؤرخ 23 دسمبر 2008 است و سایت "جرمن جرمن" نیز عین تاریخ را در طاق پیشانی مقاله نگه داشته است.

این بود مثتی نمونه خروار از کارروائی های نامشروع سایت "جرمن جرمن". اما خواننده ارجمند حتماً خواهد پرسید که سایت "جرمن جرمن" چرا دست به چنین کارهای غیر مجاز و خلاف تعاملات مطبوعاتی میزند؟؟؟ جواب بسیار ساده است و آن به دو دلیل ذیل:

– اول اینکه به مردم بی خبر از دنیا بفهماند، که:

« این نویسندگان برخلاف ادعای "ماروفی صایب" و لست ارائه شده اش، با پورتال "افغان جرمن آنلاین" به همکاری خود ادامه میدهند!!!!!!»

– دوم اینکه به خلق الله تفهیم نمایند، که:

« برخلاف ادعای "ماروفی صایب" در دهان پورتال ما منگس خانه نکرده است، بلکه نویسندگان "درگد" برای ما مقاله و شعر و غیره میفرستند!!!!!!»

از تقلبات متصدیان و باصطلاح ایرانی "گردانندگان" سایت "جرمن جرمن" یکی هم اینست که در مقاله آقای سیستمی که به نظرخواهی گذاشته شده بود، بسا نظرات را بقلم خود همکاران خویش نوشته و زیر نام های مستعار به حیث نظر خوانندگان جلوه دادند. ایشان درین قسمت تا آنجا پیش رفتند، که حتی نظراتی را از زبان بعض نویسندگان شناخته افغان هم جعل کردند. در یک "نظر" که بنام یک نویسنده و شاعره محبوب افغان جعل گردیده، ذکر خیری از بنده الله "خلیل الله معروفی" نیز رفته بود. چون من با آن نویسنده و شاعره ارجمند از سابق ارتباط تلفونی داشتم، تعجب کرده، تلفون را برداشته و از ایشان موضوع را استفسار کردم و ایشان بصراحت تام گفتند که:

« من فقط با سه سایت "فردا" و "کابل ناتھ" و "مشعل" همکاری میکنم و دیگر به هیچ سایت دیگری مطلب نفرستاده و به هیچ وجهی با ایشان همکاری نمیکنم!!!!!!»

و باز گفتند:

« آدم اگر در نظرخواهی بخواد شرکت بکند، به نام مستعار مینویسد و نه به نام اصلی خود!!!!!!»

## یک سخن خنده آور، ولی جدی

**گویند که "دزد سر خود پر داره" (دزد در سر خود پر دارد):**

متصدیان "جرمن جرمن" که به قلت همکاران و بالوسيله به قلت مطالب دچار میباشند و کس بمانند سابق همراهشان همکاری نمیکند، دقیقاً در همین لحظات خراب و پریشانی، احصائیه کار نشراتی خود را بیرون میدهند، تا به مردم بفهمانند که: «آی مردم، ما بیچاره نشده ایم، ببینید که چقدر مقاله بیرون میدهم...»

بلی؛ به تاسی از فحواي مثل "دزد سر خود پر دارد"، بود، که به تاریخ نهم جنوری راپور نشرات سال 2008 خود را زیر عنوان "راپور مختصر نشرات دری و پشتوی افغان جرمن آنلاین در سال 2008" نشر کرده و آن را حتی به نظرخواهی گذاشتند. در این راپور تعداد مجموعی مقالات سال 2008 به 1731 عدد نشان داده شده است.

من که هر روز این سایت را زیر نظر میگیرم، برداشت دیگری از تعداد مطالب منتشره درین سایت دارم. طوری که مشاهداتم در شش ماه دوم سال 2008 نشان میدهد، بسا روزها یک الی دو مقاله جدید در "جرمن جرمن" اشاعه مییابد و به ندرت و کدام روز نیکبخت باشد، که تعداد مقالات یکروز به پنج عدد برسد. اگر از روی مُراعات و بزرگ منشی، تعداد اوسط مقالات رومزه سایت "جرمن جرمن" را به "دو و نیم" عدد فرض بکنیم، مجموع مقالات شش ماه آخر سال 2008 را – با مد نظر گرفتن تمام تقلبات "جرمن جرمن"ی آن – در حدود 450 عدد می یابیم. البته تعداد مقالات شش ماه اول این سایت بیشتر و شاید در حدود 700 مطلب بوده باشد. بدین حساب تعداد مجموعی مقالات این سایت رو به انحطاط را در سال گذشته حد اکثر 1150 تا 1200 عدد خواهیم یافت. و چون میلان رو به پایان است، این تعداد در سال جاری شاید به آستانه 800 مقاله هم نرسد.

کسی باشد که برود و در بیخ گوش متصدیان "جرمن جرمن" آهسته بگوید، که:

**"آن سبو بشکست و آن ساقی نماند"**

کسانی که زمانی برای شما مقالات فراوان و بر در بر تقدیم میکردند، بر اثر بی مبالاتیها و بدماشی های چند کهنه پیکر کهنه خیال سایت، از "جرمن جرمن" بریند و حالا روزی رسیده که سایت دست زیر الاشه نشسته، "یا الله یا الله" و "یا عزیز یا عزیز" گفته، چشم براه ورود مطالب جدید است. و مثل اینکه مقالات جدید "سنگگ" شده باشند، انتظار دوامدار هم سودی نمیبخشد.

**متصدیان سایت "جرمن جرمن" به همان ماهیگیری شباهت پیدا کرده اند، که در آب بی ماهی، به صید ماهی مشغول اند؛ از صبح تا به الله شام منتظر می مانند که چیزی در چنگک شان گیر بماند و در اخیر روز، یکی دو دانه "سگ ماهی" را در چانته زده، پشت سر خود را خاریده، پت و پریشان بخانه برمیگردند!!!!**

خواننده ارجمند پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" حتماً بر من خرده خواهد گرفت، که چرا کوچکترین رحمی بر آن سایت درمانده و متصدیان درمانده ترش، ندارم و گپ "مؤمنان مسلمان" را قبول نمیکنم؟؟؟ خوب وقتی که گپ ازین قرار است:

به فرض مُحال قبول کنیم که سایت "جرمن جرمن" درین مدت 1731 مقاله نشر کرده!!! حالا که فرض را چنان نهادیم، باید نقادانه بپرسیم، که چه نوع مقالات با چه محتوا و از قلم چه کسانی در سایت "جرمن جرمن" افتیده است. اجازه بدهید که قصه ای را بدین مناسبت بازگویم:

گویند روزی ماده شغالی با شیری روبرو شده و دید، که تنها یک بچه گرد شیر میگردد. وقتی این بیچارگی شیر را بدید و با وضع خود مقایسه کرد، که نام خدا دوازده چوپه دور سرش غمبُر میزنند، دلش بحال شیر سخت بسوخت. دل شیر را بدل خود بسته، نزد شیر رفته گفت:

«دلم بحالت بسیار میسوزد که فقط یک بچه داری، در حالی که وقتی من بعد از شکار بخانه برگردم، خدا کم نکند، "دوازده" چوپه ام دور سرم جمع میگردند.» شیر چون دانست، که در دلسوزی شغال نیرنگباز نوعی طعنه نهفته است، برایش گفت:

«من یک بچه دارم، مگر "شیربچه" است، چه کنیم دوازده بچه را که همه "شغال" باشند؟؟؟؟» (... ، تاسی خو دوه لس بچی لری، مگر تول شغالان دی!!!!)

## داستان "تحفه محبت"

دیروز - دهم جنوری 2009 - شعری از فخرالشعراء جناب محمد نسیم "اسیر" را در سایت "جرمن جرمن" به بارنامه نشر کردند و آن هم با مقدمه ای گویا از طرف خود شاعر. و آن مقدمه چنین است:

## اوباما است Obama

»

دوستان گرانقدر پورتال **Afghan German Online!**

در شماره اخیر مجله وزین درد دل افغان منتشره کالیفورنیا به گرداندگی دانشمند محترم آقای وهاج مضمونی پر محتوایی به قلم جناب شان در مورد انتخاب بارک اوباما رئیس جمهور جدید امریکا نوشته شده که انگیزه سرودن این شعر گردیده است، من این شعر را منحیث اولین تحفه محبت به پورتال وزین تان تقدیم کرده و وعده همکاری های آینده را هم میدهم.»

من تا متیقن نگردم که این تبصره اهدانیه از خود استاد "اسیر" نیست، بر آن تبصره ای هم نمیکنم. تنها میخوام یادآوری نمایم، که جناب استاد "اسیر" از سابق با پورتال "افغان جرمن آنلاین" قدیم و "جرمن جرمن" جدید همکاری داشتند و شواهد کافی در سایت "جرمن جرمن" بر این نکته دلالت میکند. و وقتی که چنین است، چه ضرورتی بود، که چنین تبصره را پیش از شعر استاد بیاورند و آن شعر را "اولین تحفه محبت" استاد بنامند؟؟؟؟

ساعت 13 پیشین امروز 11 جنوری 2009، باز گذرم به سایت مضحک و متزلزل "جرمن جرمن" افتاد و میدانید که چه کشف عجیبی دست داد؟؟؟

**کشف عجیب:**

خواننده عزیز خدا به شما روز نیکی بدهد، که سایت جرمن جرمن "جرمن جرمن" آن شعر استاد اسیر را دوباره بر صدر صفحه گذاشته و آن مقدمه اهدانیه "اولین تحفه محبت" را حذف کرد.

قابل توجه اینست، که شعر استاد اسیر را در اول بشکل پی دی اف و بدون فورمات و رواق و آرم "افغان جرمن" نشر کرده بودند، تا نزد مردم ثقه جلوه نماید. ولی حالا، آن را در تمپلیت "افغان جرمن" و بشکل معمول آن سایت نشر کرده و تاریخ 11 جنوری را بر فرقی کوبیده اند!!!!

داستان "تحفه محبت" هنوز تمام نشده، چون وقتی ساعت 6 و 30 شام امروز 11 جنوری 2009 دوباره سایت "جرمن جرمن" را باز کردم، دیدم که "تحفه محبت" باز عرض وجود کرده است. این بار آن مقدمه را در "تمپ" خود سایت و بدون بیرق سه رنگ چنین تغییر دادند :

2009/1/11

«ا، نسیم اسیر

دوستان گرانقدر پورتال "افغان جرمن آنلاین" !

در شماره اخیر مجله وزین "درد دل افغان" **منتشرة** کالیفورنیا به گرداندگی دانشمند محترم آقای وهاج مضمونی پر محتوایی به قلم جناب شان در مورد انتخاب بارک اوباما رئیس جمهور جدید امریکا نوشته شده که **انگیزه** سرودن این شعر گردیده است، من این شعر را منیث اولین **تحفه** محبت به پورتال وزین تان تقدیم و **وعدة** همکاری های آینده را هم میدهم» (بدون نقطه آخر جمله)

یقین دارم که این پراگراف که مشحون است از اغلاط تایپی و املائی، نوشته فخر الشعراء جناب محمد نسیم "اسیر" - که خود استاد "ادب دری" میباشند - نیست!!!

من هر سه ورشن نقل شده شعر استاد "اسیر" را - که سه بار تغییر هیئت داده و دستکاری گردیده - ثبت کرده ام و در صورت لزوم بیرونش خواهم داد!!!!

خواننده ارجمند خواهد پرسید که در تالاق مقاله از "طنز اول سال 2009" سخن رفته، کو آن طنز؟؟؟ به ایشان بشارت میدهم که اینک آن طنز را تقدیم میکنم :

## طنز اول سال 2009

### "یک نی و صد آسان"!!!

می خواهم اولین طنز امسال را با "ذکر خیر"ی بیاریم و وقتی پای "طنز" و "خوش طبعی" و "ذکر خیر" و "خندیدن" و "خندانند" به میان آید، چقدر بد میشود، که سایت مشهور به "جرمن جرمن" "مجلس آرا" و "زینت بخش محفل" نباشد!!!

پیش از گذر به اصل مطلب نکته ای را روشن میسازم، که آن هم حکم "طنز" را دارد :  
وقتی "جرمن جرمن" مینویسم، به یاد ترکیب "آمد آمد" می افتم و سالهای بسیار قدیم ، آنطرف تر نیم قرن گذشته، که در ملک ما آرامی بود و امنیت بود و صلح بود و فکر مردم ما را جنجال های امروزه نمی آزد. در آن زمان در زبان مردم ما و نیز در زبان مطبوعات و اهل قلم ما از "آمد آمد" سخن می رفت. در پیشوندی همین دو "کلمه" بهانه ای می جستند، تا مثلاً بیک "بهار" را گرامی داشته و "آمد آمد بهار" بگویند و بنویسند.  
اما از ترکیب "جرمن جرمن" چه چیزی تداعی میگردد؟؟؟ ازین ترکیب بصراحت استنباط میگردد که با استعفای چند افغان راسخ از عضویت پورتال "افغان جرمن" سابق، از آن چیزی باقی مانده که در ترکیب "جرمن جرمن" و در پالیسی "جرمن پرستان" انقیاد طلب پوشیده و آشکارای این سایت، تبارز و تجسم می یابد.

### سؤال :

چرا "جرمن جرمن" تبریک سال نو عیسوی را تحریم کرد و آن را به جهانیان تبریک نگفت؟؟؟ مگر این مناسبت و تقریب فراموش متصدیان آن سایت گردیده است؟؟؟ یا که نمیخواهند سال نو عیسوی را به جهانیان تبریک بگویند؟؟؟ و یا اینکه فکر میکنند، که هر جمله ای را که در طاق پیشانی خود به حیث "خط روان" عرضه بدارند، مورد انتقاد ادبی و شماتت منطقی قلم "ماروفی صایب" قرار میگیرد؟؟؟ در زمانی که آن پنج نفر فعال و مترقی عضویت پورتال "افغان جرمن آنلاین" را داشتند، چنین سهل انگاریی صورت نمیگرفت و به هر مناسبتی از طرف پورتال چیزی ضمن "خط روان" رواق آن عرضه میگردید؛ خواه عید مؤمنان مسلمان بود و یا عید کرسمس و یا روزهای تاریخی افغانستان عزیز و یا موضوعاتی دیگر که شایان تذکر بود!!!

حالا وقت آن رسیده که دلیل اصلی تحریم تبریک سال 2009 را بیان نمایم :

متصدیان سایت "جرمن جرمن" وقتی چندین روز پیش نسبت حلول سیهروز ششم جدی 1358 یا 27 دسمبر 1979 آن "اعلان متحرک" خود را تعبیه کردند، مورد نوازش "ماروفی صایب" قرار گرفتند. همان بود که "طنز شش جدی" را نثارشان کرده و همان یک جمله شان را به چار کتاب "کافر" کشیدیم. ایشان رفتند پیش کدام "اوقی ادب

فهم" تا چاره دردشان را بکند و آن ظالم هم زور زده زور زده، جمله ای را با طمطرق عرضه کرد و ما دیدیم و همه شاهد بودیم که قلم "ماروفی صایب" ضمن مقاله دومی زیر عنوان "متصدیان "جرمن آنلاین" تقرر فکری ندارند!!!... " مؤرخ 29 دسمبر 2008 خود، آن جمله "پرطمطراق ایشان" را نیز غلط ثابت ساخت. بعداً وقتی سایت "جرمن جرمن" چاره را حصر دید و زورش دیگر نرسید و عقلش از چاره کار عاجز ماند، بهتر دانست که دست بدامان همان دو ضرب المثل مشهور کابلی زده و در دل و در عمل بگوید :

### یک نی و صد آسان" و یا که "شتر را دیدی، نی ندیدم"!!!!

در آثار مرحوم علامه مرتضی مطهری - عالم شهیر ایران که در عنفوان انقلاب اسلامی شهید گردید - خوانده بودم، که بسا کسانی که از خدا و دین منکر اند، در واقع با یک "نی" کار خود را "آسان" میسازند. میگویند که "خدائی" وجود ندارد (العیاذ بالله) چون وقتی گفتند "الله" وجود دارد، باید "دین" را قبول کنند و وقتی "دین" را پذیرفتند، باید به امر و نهی "دین" گردن نهند. در دین اسلام مثلاً مجبور شوند که "نماز بخوانند، روزه بگیرند، حج بروند و کارهای نیک بکنند و از کارهای بد و "سیئات" چون "دروغ و حرام و منافقت و شیطنت و توطئه و ساخته کاری و غیره" بپرهیزند. چون مُراعات این همه "امر و نهی" کاریست پر جنجال و آکنده از اشکال، پس بهتر دیدند که یک "نی" بگویند و خود را "راحتِ راحت" بسازند!!! از همینجاست که "وجود خدا" را از بیخ و ریشه نفی کرده، عذر دین را خواستند و از ایمان به خدا و پذیرفتن دین سر باز زدند.

با اصل این فلسفه استاد شهید مرتضی مطهری و صحت و سقم اقامه دعوایش کاری ندارم، فقط خواستم منصفه عملی ضرب المثل کابلی "یک نی و صد آسان" را از زبان یک عالم متبحر و برجسته دینی بشگافم و آنرا در مورد سایت "جرمن جرمن" تطبیق نمایم.

واقعیت امر اینست که این "سایت" که فتنه ها زیر سر و توطئه ها در کمر دارد، و به فرموده هفتصد سال پیش حضرت حافظ

سرم به دنیا و عقبا فرو نمی آید      تبارک الله ازین فتنه ها که در سر ماست!!!

ظاهراً نمیخواهد بخاطر آوردن آن یک "جمله"، خود را رسوای عام و خاص بگرداند. پس کار را یکسره ساختند و از آوردن آن "جمله روان" و "تبریکیه سال نو عیسوی" سر باز زدند، ولو که پرنسیپ های همیشگی خود را پایمال هم کردند؛ بدینقرار :

اگر آن "خط روان" را بیاورند، چطور باید بیاورند و چطور آن را فارمولندی کنند؟؟؟ چون می دانند که قلم نقاد "ماروفی صایب" که همیشه موی در خمیر می پالد، در آن حتماً اشتباهی را کشف خواهد کرد. آنها مطمئن اند که هر رنگ "لوت و پلوت" بزنند، پشت و پهلوی خود را خواهند شکست. و ازین چه بهتر که هرگز نه لوت بزنند و نه پلوت، و با یک "شیرغلت" مزورانه خود را از شکنجه قلم "ماروفی صایب" نجات بدهند. بی خبر ازینکه قلم "ماروفی صایب" همان یک بیت را نیک از بر کرده و معنایش را در عمل تطبیق میکند که :

به هر رنگی که خواهی جامه میپوش      من از طرز خسرامت می شناسم

ایشان غافل اند از اینکه سایت "جرمن جرمن" اینک به "اشتر" شباهت پیدا کرده و کدام قسمت "اشتر" نیست که کج نباشد و وقتی که چنین است، خود را تبرئه کردن از طریق "نیاوردن آن یک جمله"، کاریست در حد جنون!!!!!!

اما چرا سایت "جرمن جرمن" برخلاف تعاملات همه ساله خود، امسال از پیام تبریک سال 2009 سر باز زد؟؟؟ یک ضرب المثل عام ما میگوید :

«کتی گوشتش آشتی، کتی شوروایش جنگی؟»

تمام معاملات جهان به حساب "سال عیسوی" صورت میگیرد و ما همه خود را بدان پایبند و مقید میدانیم، اما وقتی حلول این سال بیاید، شیرغلتی بزنیم و بگوئیم : «این سال ما نیس، به ما چی؟»

برادر جان گل؛ این اگر سال تو نیست، سال چند ملیارد انسان همین کره ارض است و نمیتوان از آن طفره رفت. مگر اجازت داریم، که چار پنج ملیارد انسان روی زمین را نادیده گرفته و سال نو ایشان را تبریک نگوئیم؟؟؟

بابا جان؛ در همه جا و در همه حال و احوال از همین سیستم شمارش تاریخ استفاده میگردد و سنه هجری مسلمانان حد اکثر در چند مملکت اسلامی رایج است، آن هم نه بشکل یگانه، بلکه به صورت دوگانه "هجری شمسی" و "هجری قمری". در معاملات جهانی و در ارتباط با جهان و جهانیان هرگز نمیتوان سال عیسوی را نادیده گرفت!!! ما جزء همین جهانیان و جزء جهانیان و وقتی که چنین است، نمیتوانیم رسم و رواج ایشان را که حالا دیگر صبغت جهانی و بین المللی پیدا کرده است، نادیده بگیریم.

بیان تاریخ به حساب "هجری" برای جهان و جهانیان غیرمفهوم و عاری از فایده است. یا باید جهان به دهل مسلمانان برقصد و تاریخ خود را به حساب "هجری" بیاراید و یا اینکه ما مسلمانان تاریخ معمول جهان را برگزینیم و خود را



از پروسه عام جهان عقب نکشیم. ما مسلمانان که در دنیای امروزی رول "شاگرد" جهان را نیز بازی کرده نمیتوانیم، چرا رسم و رواج "استاد" خود را ناپیده گرفته و لااقل با ابراز یک تبریک خشک و خالی در شادی ایشان شریک نگردیم؟؟؟؟؟

## یک نکته جال دیگر سایت "جرمن جرمن"

سایت "جرمن جرمن" مقاله آقای حکیم نعیم را که جواسیس "کی جی بی" را در افغانستان افشاء میکرد، به نظرخواهی گذاشت و میدانید که سرنوشت این مقاله جانانه و نظرخواهی آن به کجا کشید؟؟؟ در مدت یک هفته ای که این مقاله در صدر ستون "نظر خواهی" جای گرفته بود، فقط 17 نظر ارائه گردید، آن هم در پنج روز اول آن. بعد از آنکه در دو روز آخر حتی یک نفر هم نظر ننوشت "جرمن جرمن" مقاله را از ستون "نظرخواهی" بیرون کشید!!! از جمله این هفده نظر هم یکی نظر خود جناب حکیم نعیم بود و نظر آخرین هم موقف و تصمیم گیری خود سایت "جرمن جرمن"، مبنی بر اعلان ختم نظر خواهی. یعنی که در ظرف یک هفته در چنین یک موضوع مهم فقط 15 نظر ارائه شد. این داستان آموزنده به ما می آموزاند، که:

**در سائیتی که خود لانه خلیان و پرچمیان شده باشد، معلومدار که کسی به افشاء گری های جواسیس کی جی بی علاقه نمیگیرد!!!!!!!**

## روزه "جرمن جرمن" و افطار با مرداری

سایت "جرمن جرمن" به تاریخ 9 جنوری بکلی بی مضمون گشته بود، بیست ساعت بود که مقاله جدید روی این سایت را ندیده بود، که یکبار بقدرت خدا مقاله ای در سایت افتید و میدانید، چه مقاله ای؟؟؟ مقاله ای را با مضمون کهنه از قلم همان پرچمی مشهور و همان "گاو پرست" نامی بنام "فقیر محمد ودان" از پشت کدام کندوی آرد بیرون آورده و بحیث "مقاله جدید" در صدر سایت "جرمن جرمن" انداختند؛ آن هم با مقدمه ای از طرف خود "جرمن جرمن" که خدایت نشان ندهد!!!! تبصره بر این "تبصره" را میگذارم به طنز بعدی. این کار "جرمن جرمن" به قصه شخصی شباهت دارد، که یک شبانه روز روزه گرفت - و روزه غرقه گرفت - و در آخر، روزه را با کدام مرداری باز کرد!!!!

**دلیم میخواهد طنزهای دیگری را نیز در زمینه قطار کنم، اما گفته اند که "هر چیز به اندازه". با همین حسن ختام خواننده گرانقدر را بخدای کریم و رحیم می سپارم.**

( تا طنز آینده )